

شیوه‌نامه انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات تشکل‌های مردم‌نهاد

(موضوع مواد ۱، ۸، ۹ و ۱۸ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات)

مقدمه

قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، مؤسسات مشمول این قانون را در ماده ۱ و در یک دسته‌بندی کلی به مؤسسات عمومی و مؤسسات خصوصی دسته‌بندی کرده است. این قانون، مؤسسات خصوصی را به نحو سلبی تعریف کرده و مقرر می‌دارد که: «از نظر این قانون، مؤسسه خصوصی شامل هر مؤسسه انتفاعی و غیرانتفاعی به استثنای مؤسسات عمومی است». متعاقباً در مواد ۸ و ۹ مؤسسات عمومی و خصوصی به نحو برابر به ارائه اطلاعات مکلف شده‌اند: ماده ۸ می‌گوید: مؤسسه عمومی یا خصوصی باید به درخواست دسترسی به اطلاعات در سریع‌ترین زمان ممکن پاسخ دهد و در هر صورت، زمان پاسخ نمی‌تواند حداکثر بیش از ۱۰ روز از زمان دریافت درخواست باشد و ماده ۹ نیز تصریح می‌کند: پاسخی که توسط مؤسسات خصوصی به درخواست‌های دسترسی به اطلاعات داده می‌شود باید به صورت کتبی یا الکترونیکی باشد. در نظام حقوقی ایران، مؤسسات خصوصی را به لحاظ‌های مختلف می‌توان دسته‌بندی کرد: از یک لحاظ می‌توان این مؤسسات را به تجاری و غیرتجاری تقسیم کرد. مؤسسات تجاری تشکیلاتی هستند که دنبال سودجویی و تقسیم سود بین اعضای خود هستند. به این تشکیلات اصطلاحاً شرکت گفته می‌شود.

مؤسسات غیرتجاری به دو دسته کلی قابل تقسیم شده‌اند: آنهایی که انتفاعی هستند یعنی دنبال سودجویی و تقسیم سود بین اعضای خود هستند ولی موضوع آنها جنبه غیرتجاری (علمی، هنری، ورزشی و...) دارد^۱ و آنهایی که غیرانتفاعی هستند یعنی دنبال سودجویی و تقسیم سود بین اعضای خود نیستند.

تشکیلات غیرانتفاعی نیز از یک لحاظ به دو دسته قابل تقسیم‌بندی هستند: آنهایی که اهداف سیاسی دارند و آنهایی که اهداف اجتماعی، عام‌المنفعه و غیرسیاسی دارند. تشکیلاتی که اهداف سیاسی دارند حزب نامیده می‌شود و تشکیلاتی که اهداف غیرسیاسی دارند سازمان غیردولتی یا تشکل مردم‌نهاد خوانده می‌شوند.

^۱ موضوعاتی که جنبه تجاری دارند در ماده ۲ قانون تجارت ذکر شده‌اند.

با توجه به اینکه آیین‌نامه اجرایی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، تشکلهای مردم‌نهاد را صریحاً در زمره مؤسسات خصوصی شناخته که ملزم به رعایت احکام قانون مذکور هستند و نیز با توجه به اینکه ماهیت داوطلبانه، غیرانتفاعی و عام‌المنفعه این تشکلهای نیز ذاتاً با شفافیت ملازمه دارد هدف این شیوه‌نامه آن است که نحوه انتشار عمومی اطلاعات از سوی این تشکلهای و نیز نحوه دسترسی شهروندان به اطلاعات مورد نیازشان در مورد تشکلهای مذکور را تبیین و روشن کند.

بدین منظور، نخست اوصاف و مشخصه‌های این تشکلهای که وجه تمایز آنها از سایر تشکلهای و نیز معیارهای لازم برای شناسایی این نوع تشکلهای است توضیح داده می‌شود، سپس، قوانین و مقررات ناظر بر وضعیت تشکلهای مردم‌نهاد در ایران معرفی شده و شمول قانون آزادی اطلاعات بر تشکلهای مردم‌نهاد در سایر کشورهای جهان بررسی می‌شود و در پایان، پیش‌نویس شیوه‌نامه انتشار و دسترسی آزاد به تشکلهای مردم‌نهاد ارائه می‌گردد.

الف) اوصاف و مشخصه‌های تشکلهای مردم‌نهاد

تشکلهای مردم‌نهاد طبق «آیین‌نامه تشکلهای مردم‌نهاد» مصوب هیئت وزیران (۱۳۹۵) و سایر مصوبات مرتبط، دارای چند ویژگی اساسی هستند که آنها را از سایر تشکلهای متمایز می‌کند. این ویژگی‌ها عبارتند از: غیردولتی بودن، غیرانتفاعی بودن، غیرسیاسی بودن و داوطلبانه بودن.

۱. غیردولتی بودن

تشکلهای مردم‌نهاد به موجب قانون یا سایر مصوبات حکومتی ایجاد نمی‌شوند بلکه توسط مردم (اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی) تأسیس و اداره می‌شوند. تبصره ماده ۱ «آیین‌نامه تشکلهای مردم‌نهاد» تصریح دارد که: «منظور از غیردولتی، عدم وابستگی به دولت و نهادهای حاکمیتی، عدم دخالت دولت و نهادهای حاکمیتی در تأسیس، اداره و استمرار و همچنین عدم فعالیت مقامات و مسئولان و کارکنان دولتی و نهادهای حاکمیتی با استفاده از جایگاه حقوقی خود، به عنوان مؤسس یا عضو است».

همچنین، غیردولتی بودن این تشکلهای به این معنا است که باید به شکل مستقل اداره شوند. یعنی دارای ساختاری مستقل از دولت و مؤسسات عمومی بوده و تابع یا وابسته مؤسسات عمومی نباشد. یکی از ابعاد مهم استقلال تشکلهای غیردولتی، استقلال مالی آنها است. این استقلال

مستلزم عدم وابستگی مادی مستقیم یا غیرمستقیم سازمان غیردولتی به دولت است. البته، این امر به معنای ممنوعیت دریافت کمک‌های دولتی نیست. تنها در صورت کمک، دولت نباید اعطای کمک را دستاویزی برای مداخله در امور آنها قرار دهد. در مجموع، بودجه سازمان‌های مردم‌نهاد از راه‌های ذیل تأمین می‌گردد: کمک‌ها و هدایای مردمی، وقف و حبس، کمک‌های مالی سازمان‌های دولتی و غیردولتی، کمک‌های مالی از منابع خارجی و سازمان‌های بین‌المللی (با رعایت مقررات مربوطه)، وجوه حاصل از فعالیت‌های سازمان و انجام پروژه در چارچوب اهداف و اساسنامه، و پرداخت حق عضویت.

۲. غیرانتفاعی بودن

از ویژگی‌های اصلی تشکل‌های مردم‌نهاد این است که تشکیل آنها نباید برای انگیزه‌های سودجویی و مقاصد انتفاعی باشد. این ویژگی، وجه ممیز تشکل‌های مذکور از شرکت‌های تجاری و تشکیلات تجاری انتفاعی است. البته، انجام امور اقتصادی برای تأمین منابع مالی سازمان و در راستای تحقق اهداف سازمان (که اهداف عام‌المنفعه و اجتماعی است) منافاتی با وصف غیرانتفاعی بودن آن ندارد. به دیگر سخن، باید منافع حاصله از فعالیت‌های اقتصادی نباید میان اعضای سازمان و مدیران آن تقسیم گردد. تبصره ۱ ماده ۲ آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد در این باره مقرر کرده است که منظور از غیرانتفاعی بودن، عبارت است از: «عدم برداشت مستقیم یا غیرمستقیم سود و سایر منافع اقتصادی حاصل از انجام فعالیت‌ها، به نفع اعضا، مؤسسان، مدیران و کارکنان یا افراد وابسته آنان است.»

علاوه بر این، این تشکل‌ها نباید مجاری تبدیل سرمایه‌های اجتماعی به سرمایه‌های اقتصادی شوند. برای مثال، با اهداف غیرانتفاعی فعالیت کرده و سرمایه جمع کنند اما با ترفندهای خاص به فعالیت تشکل خاتمه داده و سرمایه تشکل را برای اهداف انتفاعی، تصاحب یا به مصرف برسانند. به همین جهت، در اساسنامه اغلب آنها قید می‌شود که در صورت انحلال تشکل، اموال و دارایی‌های آن به گونه‌ای منتقل یا تغییر مالکیت داده می‌شود که اعضای سازمان هیچ سهمی در آن نداشته باشند. متأسفانه، آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد، این نکته بسیار مهم را نادیده گرفته و در ماده ۳۲ مقرر کرده است که: «تقسیم اموال و مازاد درآمد تشکل در میان مؤسسان، اعضا و مدیران قبل از انحلال ممنوع است.»

۳. غیرسیاسی بودن

تشکل‌های مردم‌نهاد، در صدد کسب قدرت سیاسی نبوده و عمدتاً اهداف اجتماعی و عام‌المنفعه را دنبال می‌کنند. این مشخصه، وجه ممیز اصلی تشکل‌های مزبور از احزاب سیاسی است. البته نقد قدرت سیاسی و عملکرد مؤسسات عمومی یا مقامات عمومی از سوی تشکل‌های مردم‌نهاد امری عادی است و تلاش برای کسب قدرت محسوب نمی‌شود. بنابراین داشتن اهداف و فعالیت‌هایی از سوی این تشکل‌ها نظیر مشارکت در فعالیت‌های انتخاباتی، معرفی نامزد انتخاباتی یا قرار دادن امکانات سازمان در اختیار نامزدهای انتخاباتی و سایر فعالیت‌هایی که هدف اصلی و مستقیم آنها مشارکت و سهم‌پذیری در قدرت سیاسی است ممنوع است. تبصره ۱ ماده ۲ آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد در این باره مقرر کرده است که منظور از غیرسیاسی بودن: «نداشتن فعالیت سیاسی موضوع قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده - مصوب ۱۳۶۰ - است».

۴. عضویت و فعالیت داوطلبانه

فعالیت داوطلبانه به معنای مشارکت در تأسیس و اداره سازمان براساس اراده آزاد اشخاص بدون الزام قانونی یا قضایی است. بنابراین فعالیت اجباری با داوطلبانه بودن فعالیت اعضای این سازمان‌ها منافات دارد. این ویژگی وجه ممیز تشکل‌های مردم‌نهاد از اتحادیه‌ها و تشکل‌های صنفی است. فعالیت در دخالت یک صنف، مستلزم عضویت در اتحادیه مربوط و اخذ پروانه کسب است اما عضویت در تشکل‌های مردم‌نهاد کاملاً به میل و اراده اشخاص وابسته است. هر زمان می‌توانند به آنها ملحق شوند و یا از آنها خارج شوند.

گفتنی است طبق آرا و مصوبات هیئت مرکزی نظارت بر تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد، فلسفه فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد، انجام کار داوطلبانه است و افراد نباید بابت فعالیت در سازمان، حقوق و دستمزد مطالبه نمایند و اعضا، هیئت مؤسس، هیئت‌مدیره یا هیئت امناء، تحت هیچ عنوانی (اعم از دستمزد، پاداش و یا سایر عناوین) حق برداشت از منابع مالی سازمان‌های مردم‌نهاد را ندارند.

ب) قوانین و مقررات ناظر بر وضعیت تشکلهای مردم‌نهاد در ایران

در نظام حقوقی ایران تا سال ۱۳۸۱ وضعیت حقوقی تشکلهای مردم‌نهاد چندان مشخص نبود. قوانین و مقررات مختلفی برای ایجاد و فعالیت آنها مورد استناد قرار می‌گرفتند. مواد ۵۴۸ و ۵۸۵ قانون تجارت و «آئین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری» مصوب ۱۳۳۷ که در راستای اجرای مواد مذکور به تصویب رسیده بود، مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی تحت عنوان «ضوابط و مقررات تأسیس مراکز، مؤسسات، کانون‌ها و انجمن‌های فرهنگی و نظارت بر فعالیت آنها» مصوب ۱۳۷۵/۸/۸ و مصوبه شورای عالی اداری تحت عنوان «نحوه صدور مجوز و تأسیس تشکلهای غیردولتی» مصوب ۱۳۷۸/۱۲/۱۱ از این زمره بودند.

قوانین و مقررات مهمی که تشکلهای مردم‌نهاد کنونی به موجب آنها ایجاد شده و فعالیت می‌کنند حسب مورد یکی از موارد زیر است:

۱- مواد ۵۸۴ و ۵۸۵ قانون تجارت

براساس ماده ۵۸۴ قانون تجارت مصوب ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۱، تشکیلات و مؤسساتی که برای مقاصد غیرتجارتی تأسیس شده یا بشوند، از تاریخ ثبت در دفتر مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد، شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند. در واقع، در این زمان هنوز واژگان حقوقی «سازمان غیردولتی» وارد ادبیات حقوقی نشده و شاخص اصلی تعیین‌کننده برای توجه قانون تجارت به این‌گونه نهادها، ماهیت غیرتجاری آنها در مقایسه با شرکت‌های تجاری بوده است. به موجب ماده ۵۸۰ نیز شرایط ثبت مؤسسات و تشکیلات مذکور، به مفاد نظامنامه مصوب وزارت عدلیه محول گردید.

۲- قانون احزاب (۱۳۶۰)

براساس ماده ۱ قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۶/۷، «حزب، جمعیت، انجمن، سازمان سیاسی و امثال آن تشکیلاتی است که دارای مرانامه و اساسنامه بوده و توسط یک گروه از اشخاص حقیقی معتقد به آرمان‌ها و مشی سیاسی معین تأسیس شده و اهداف، برنامه‌ها و رفتار آنها به صورتی به اصول اداره کشور و خط مشی کلی نظام جمهوری اسلامی ایران مربوط باشد».

منظور از انجمن، جمعیت، اتحادیه صنفی و امثال آن، تشکیلاتی است که به وسیله دارندگان کسب یا پیشه یا حرفه و تجارت معین تشکیل شده، اهداف، برنامه‌ها و رفتار آنها در جهت منافع خاص مربوط به آن صنف باشد.

این قانون، با تفسیر موسع کارکرد نهادهای سیاسی یعنی تعریف گسترده اهداف سیاسی، به نوعی موجب تضییق دامنه مفهومی سازمان‌هایی شده که بدون توجه به این اهداف به عنوان غایت شکل‌گیری و فعالیت خود، تنها به صورت تبعی و فرعی به این حوزه وارد می‌شوند. اینها همان سازمان‌های غیردولتی هستند. همین تفسیر موسع از قانون احزاب از یک سو و فقدان مبانی حقوقی کافی در کشور برای توجه مستقل به تشکلهای مدنی غیردولتی از سوی دیگر، سبب شد تا سال ۱۳۸۱ یعنی زمان تصویب آیین‌نامه هیئت وزیران، مرجع صدور مجوز یا پروانه علیت برای سازمان‌های غیردولتی نیز همانند احزاب، کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب باشد. با این حال، آیین‌نامه سال ۱۳۸۱ هیئت وزیران و اصلاحیه‌های آن با تفکیک احزاب از سازمان‌های غیردولتی، در حمایت از استقلال عمل این سازمان‌ها تلاش خوبی به عمل آورده است.

۳- مصوبه شورای عالی اداری (۱۳۷۸)

شورای عالی اداری به عنوان نهاد ساخته و پرداخته قانون برنامه دوم توسعه، که قانوناً بازاندیشی در ضوابط و ساختارهای اداری کشور را هدف اصلی کاری خود قرار داده، با توجه به وضعیت تأسیس سازمان‌های غیردولتی در مراجع دولتی به‌ویژه وضعیت ثبت آنها حاکی از وجود موانع جدی در تسهیل کارکرد آنها بود، در ۱۳۷۸/۱۲/۱۷ ضمن صدور مصوبه‌ای، آیین تأسیس و فعالیت این تشکلهای را با رویکردی تسهیل‌کننده، مقرر نمود.^۲

با این حال، به دلیل مغایرت این مصوبه با قوانین از جمله ماده ۵۸۵ قانون تجارت، موضوع (از سوی برخی نهادهای دولتی) در دیوان عدالت اداری مطرح و به ابطال آن انجامید.^۳ بدین ترتیب، زمینه‌های نگاه قانونمند دولت و مجلس به این تشکلهای فراهم شد. قانون برنامه سوم

^۲ مصوبه شماره ۱۴/۴۵۵ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۷

^۳ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در دادنامه شماره ۳۲۷ خود علت ابطال مصوبه شورای عالی اداری را چنین ذکر کرده است:

«...و این که صلاحیت تصویب نظامنامه مذکور و تغییرات و اصلاحات آن به حکم قانون به وزارت دادگستری تفویض شده است و وظایف قانونی شورای عالی اداری متضمن وضع قاعده آمره در این باب نمی‌باشد...»

توسعه، بهترین حوزه برای شناسایی اهمیت این تشکلهای و تأکید بر لزوم تدوین آیین ایجاد و فعالیت آنها بود.

۴- قانون برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹)

قانون برنامه سوم توسعه مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷، در شرایطی به تصویب رسید که فضای سیاسی و تحولات اجتماعی کشور مهابی پذیرش تکرر بازیگران به ویژه حضور و نقش آفرینی تشکلهای مدنی (از جمله سازمانهای غیردولتی) بود. دولت که خود مبتکر بینش و ایده جامعه مدنی در عرصه داخلی و بینالمللی بود، مهابی حقوقی حمایت از این تشکلهای را در قالب لایحه قانون برنامه سوم پیشبینی نمود و متعاقب آن، مجلس نیز این مهابی را مورد تأیید قرار داد. بر این اساس، علاوه بر شناسایی حضور و ایفای نقش تشکلهای مدنی به عنوان وجدان بیدار مردم در صحنههای مختلف به عنوان روح قانون برنامه سوم توسعه، مواد ۱۰۴، ۱۸۲ و ۱۸۷ این قانون به وضعیت حقوقی این تشکلهای اختصاص یافت.

ماده ۱۸۲ و نگاه کلی به توسعه سازمانهای غیردولتی

به موجب ماده ۱۸۲ قانون برنامه سوم توسعه، توسعه کلی حضور سازمانهای غیردولتی در بخشهای مختلف اجتماع، به عنوان یکی از محورهای اولویتدار برنامه ریزی و مدیریت کشور تلقی شده و چارچوب بندی حقوقی این تشکلهای مورد تأکید قرار گرفته است. این ماده با تمرکز خطاب خود به وزارت کشور، آن وزارتخانه را مسئول تهیه مقررات اجرایی این ماده دانسته و در هر حال، مقرر داشته که:

وزارت کشور مکلف است با رعایت قوانین نسبت به تهیه طرحهای مربوط به ایجاد و تقویت تشکلهای مردمی (صنفي-تخصصی)، سازمانهای غیردولتی و سازمانهای محلی با هدف زمینه سازی برای واگذاری اعمال تصدی دولت به آنها و تقویت نظارت های سازمان یافته مردمی بر فعالیت های دستگاه های دولتی اقدام نموده و پس از تصویب هیئت وزیران به مورد اجرا بگذارد.

با اینکه تعدد واژگان مندرج در این ماده نظیر سازمانهای محلی یا تشکلهای صنفي-تخصصی در کنار سازمانهای غیردولتی از عدم تحکیم سازمانهای غیردولتی در ادبیات حقوق ایران حکایت دارد اما قانونگذار دو کارکرد مهم را برای سازمانهای مذکور به رسمیت شناخته و

با تکیه بر آن دو، وجاهت حقوقی آن تشکلهای را رسمیت بخشیده است: **اولاً**، واگذاری اعمال تصدی دولت و **ثانیاً**، تقویت نظارت سازمان یافته مردمی بر فعالیت و عملکرد دستگاههای دولتی به عنوان یکی از لوازم شکل گیری یا تعمیق دولت قانونمند و خدمتگذار.

آنچه در این ماده آمده، توجه کلی به سازمانهای غیردولتی بدون توجه به دامنه موضوعی و حوزههای تخصصی فعالیت آنها است. بر همین اساس، قواعد کلی تأسیس و فعالیت تشکلهای غیردولتی توسط این وزارتخانه پیشنهاد و به تصویب هیئت وزیران رسیده است.

– ماده ۱۰۴ در مورد سازمانهای غیردولتی زیست محیطی

ماده ۱۰۴ در بخش سیاستهای زیست محیطی کشور نیز حمایت و تقویت تشکلهای غیردولتی فعال در این عرصه را یکی از لوازم حصول به هدف بنیادین «حفاظت از محیط زیست و بهره گیری پایدار از منابع طبیعی کشور» تلقی کرده و مقرر داشته است:

به منظور حفاظت از محیط زیست و بهره گیری پایدار از منابع طبیعی کشور، اجرای موارد زیر ضروری است:

...

ب- به منظور تقویت و پشتیبانی از سازمانهای غیردولتی حامی محیط زیست و منابع طبیعی کشور، کمکهای مالی اشخاص حقیقی و حقوقی به این سازمانها به عنوان هزینه قابل قبول تلقی می شود. این کمکها به حساب خاصی در خزانه واریز می گردد و براساس آیین نامه ای که به پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه [سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور] و سازمان حفاظت محیط زیست و وزارت جهاد سازندگی تهیه و به تصویب هیئت وزیران می رسد، مشتمل بر حداکثر میزان کمکها و نحوه اعطای آنها، در اختیار این سازمانها قرار خواهد گرفت.

آیین نامه اجرایی این ماده نیز در تاریخ ۱۳۷۹/۱۱/۱۵ به تصویب هیئت وزیران رسید. به موجب بند الف ماده ۱ این آیین نامه، منظور از سازمانهای غیردولتی حامی محیط زیست و منابع طبیعی «تشکیلات و مؤسسات مردمی هستند که براساس بند «الف» مصوبه شماره ۱۴/۴۵۵ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۷ شورای عالی اداری، تشکیل و ثبت شوند و صرفاً در زمینه حفاظت محیطی زیست و منابع طبیعی فعالیت نمایند».^۴

^۴ با توجه به این که مصوبه مذکور توسط دیوان ابطال شده است، این تعریف را باید به نفع تعریف ماده ۱ آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۲ قانون برنامه سوم توسعه، کنار گذاشت.

براساس بند «ب» ماده ۱ فوق، حداکثر کمک هر یک از اشخاص حقیقی و حقوقی به سازمان‌های مذکور ۲۰۰ میلیون ریال خواهد بود.

– ماده ۱۵۷ پیرامون سازمان‌های غیردولتی جوانان

ماده ۱۵۷ قانون برنامه سوم توسعه با اشاره ویژه به موقعیت و اهمیت جوانان و نقش آنها در روند توسعه کشور مقرر می‌دارد:

با عنایت به اهتمام ویژه نظام جمهوری اسلامی ایران به مسائل جوانان و اعتلای رشد نسل جوان کشور و استفاده بهینه از استعدادها و توانایی‌های این نسل عزیز، مرکز ملی جوانان به منظور ساماندهی اساسی امور جوانان کشور به صورت ساختار و سازمان کار متناسب با این مأموریت به سازمان ملی جوانان تبدیل می‌گردد تا وظایف اساسی ذیل را برعهده گیرد:

الف- سازمان ملی جوانان موظف است برنامه جامعه ملی سازمان‌دهی امور جوانان کشور با عنایت به جایگاه نقش و مأموریت‌های اساسی دستگاه‌های مختلف دولتی و غیردولتی مرتبط با امور جوانان نظیر نیروی مقاومت بسیج و توجه اساسی به نیازهای جوانان در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، شغلی، علمی، تفریحی و تحصیلی را تهیه و تدوین نماید.

ب- شناسایی و پیگیری واگذاری آن دسته از فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی که می‌تواند با پیش‌بینی تمهیدات لازم از طریق سازمان‌های غیردولتی جوانان انجام گیرد.

ج- برای تحقق مواردی که نیاز به تهیه طرح دارد، سازمان ملی جوانان بر حسب مورد طرح‌های لازم شامل اهداف، اصلاحات سازمانی، تسهیلات مالی، حمایت‌های اجرایی از تشکلهای غیردولتی را تهیه نماید.

در واقع، این سومین بار است که قانون برنامه سوم توسعه به سازمان‌های غیردولتی به صورت عام و خاص اشاره کرده و در این ماده، بر سازمان‌های تخصصی جوانان متمرکز شده است. در هر حال، قانونگذار ایرانی تسهیل فعالیت سازمان‌های غیردولتی را یکی از دغدغه‌های خود در روند توسعه همه‌جانبه کشور تلقی کرده و توجه ویژه دولت به آنها را خواستار شده است.

۵- آیین‌نامه تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی ۱۳۸۱

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۲۵ به پیشنهاد وزارت کشور و با استناد به اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی و ماده ۱۸۲ قانون برنامه سوم توسعه، آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی را در ۲۷ ماده تصویب نمود.

پراکندگی قوانین و مقررات موجود و عدم هماهنگی آنها با مقتضیات تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی سبب شد تا نیاز به وجود یک قانون خاص درباره سازمان‌های مذکور بیش از پیش احساس شود. از این رو، وزارت کشور به عنوان مهم‌ترین متولی امور سازمان‌های غیردولتی در ایران پیش‌نویس لایحه قانون تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی را تهیه کرد و در تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۳ به هیئت وزیران تقدیم کرد. پیش‌نویس مذکور پس از اظهار نظر های مختلفی که نسبت به نقاط ضعف و قوت آن صورت گرفت با جرح و تعدیل‌های بسیار در قالب آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۲ «قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۷۹ و با استناد به اصل ۱۳۸ قانون اساسی به تصویب هیئت وزیران رسید.

با تصویب این آیین‌نامه، وضعیت حقوقی سازمان‌های غیردولتی در ایران تا حد زیادی مشخص شد. آیین‌نامه مذکور، مقررات قبلی را به طور کامل نسخ نکرد بلکه آنها را تا حدی که مغایر با آن بود لغو کرد (ماده ۲۷ آیین‌نامه اجرایی). برای مثال در زمینه ثبت سازمان‌های غیردولتی یا انحلال و تصفیه آنها به آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری (تبصره ۵ ماده ۱۶ و ماده ۲۵ آیین‌نامه) ارجاع داد. یکی از مصوباتی که مغایرت‌های اساسی با آیین‌نامه مذکور داشت مصوبه شورای عالی اداری بود که هیئت عمومی دیوان عدالت اداری پس از شکایت نیروی انتظامی از مصوبه فوق، در تاریخ ۱۳۸۱/۹/۱۰ مصوبه مذکور را به دلیل خروج آن از حدود اختیارات شورای عالی اداری ابطال کرد.

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۳/۲۹ بنا به پیشنهاد وزارت اطلاعات و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آیین‌نامه جدیدی را با برخی اصلاحات جزئی در متن آیین‌نامه ۱۳۸۱ در مورد تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی تصویب کرد که تا سال ۱۳۹۵ مبنای عمل بود. این آیین‌نامه در سال ۱۳۹۵ لغو گردید.

۶. آیین‌نامه تشکلهای مردم نهاد مصوب ۱۳۹۵

به دلیل وجود اختلاف نظر در مورد ماهیت برخی تشکلهای مدنی در کشور، آیین‌نامه تشکلهای مردم‌نهاد مصوب ۱۳۹۵ به تصریح، تشکلهایی را که از شمول این آیین‌نامه خارج هستند مشخص کرده است. طبق آیین‌نامه مذکور، «نهادهای عمومی غیردولتی، اتاق‌ها و تشکلهای اقتصادی، تعاونی‌ها، سازمان‌های صنفی و حرفه‌ای، احزاب و تشکلهای سیاسی، کانون‌ها و سازمان‌های دانشجویی و دانش‌آموزی، سازمان‌های کارگری و کارفرمایی فعال در دانشگاه‌ها، مدارس و کارخانجات، انجمن‌های علمی، مؤسسات فرهنگی، هنری و ادبی، هیئت‌های مذهبی، باشگاه‌های ورزشی، مراکز ترک اعتیاد، مؤسسات تجاری و انتفاعی و مؤسسات موضوع بندهای (۱) تا (۱۲) ماده (۲۶) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت - مصوب ۱۳۸۰- مصداق تشکلهای نبوده و از شمول این آیین‌نامه خارج هستند (تبصره ۳ ماده ۲). همچنین، ماده ۳۸ آیین‌نامه مذکور مقرر کرده است که: «از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این آیین‌نامه، تشکلهایی که به‌عنوان مؤسسات موضوع بند (۱۳) ماده (۲۶) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت قصد فعالیت در زمینه‌های تصریح شده در ماده واحده لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور - مصوب ۱۳۵۹- دارند در چارچوب احکام این آیین‌نامه از سازمان بهزیستی کشور پروانه فعالیت دریافت می‌کنند و به ثبت می‌رسند».

به موجب این آیین‌نامه، شورای ملی توسعه و حمایت از تشکلهای به‌عنوان مرجع اصلی سیاست‌گذاری و توسعه تشکلهای در سه سطح ملی، استانی و شهرستانی تشکیل و دبیرخانه آن به‌ترتیب در وزارت کشور، استانداری‌ها و فرمانداری‌ها با رعایت قوانین و مقررات مربوط دایر می‌شود (ماده ۶). درخواست تأسیس تشکلهای متناسب با محدوده مورد نظر برای فعالیت به دبیرخانه شورای ذی‌ربط ارائه می‌شود و دبیرخانه شوراهای ملی، استانی و شهرستانی موظفند ظرف یک ماه از تاریخ دریافت درخواست تأسیس تشکلهای، نسبت به بررسی درخواست اقدام و در صورتی که درخواست ارائه‌شده مغایرتی با شرایط تأسیس تشکلهای در چارچوب مفاد این آیین‌نامه، نداشته باشد اجازه تأسیس تشکلهای را صادر کنند. البته، اجازه تأسیس صرفاً به معنای موافقت اولیه و موقت با درخواست صدور پروانه تشکلهای و طی مراحل دریافت پروانه فعالیت است و پروانه فعالیت محسوب نمی‌شود (ماده ۱۴) و پروانه فعالیت تشکلهای در دبیرخانه شوراهای ملی، استانی و شهرستانی صادر و عیناً جهت ثبت رسمی به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ارسال می‌شود (ماده ۲۰).

ج) مطالعه تطبیقی شمول قانون آزادی اطلاعات بر تشکل‌های مردم‌نهاد

در سح بین‌المللی، گزارشگر ویژه آزادی بیان و عقیده سازمان ملل متحد در گزارش سال ۲۰۰۰ خود بر لزوم شمول قانون آزادی اطلاعات بر بخش خصوصی تصریح کرده و اعلام نموده است که:

«در موضوع تکلیف به انتشار اطلاعات، دولت‌ها باید در تعریف مؤسسه عمومی^۵ به جای تکیه بر نامگذاری‌های رسمی، بر نوع خدمتی که ارائه می‌شود توجه کنند. از این جهت، این عنوان باید دربرگیرنده تمام شعبات و سطوح دولتی، شامل دولت محلی، نهادهای منتخب مردم، نهادهایی که براساس مأموریت قانونی فعالیت می‌کنند، صنایع ملی شده و صندوق‌های همکاری دولتی، نهادهای غیراداری یا سازمان‌های شبه‌دولتی، نهادهای قضایی و نهادهای خصوصی که فعالیت‌هایی با ماهیت عمومی دارند (مانند تعمیر راه‌ها و ساخت خطوط ریلی) باشد. نهادهای خصوصی هم خود اگر دارنده اطلاعاتی هستند که انتشار آنها خطر صدمه زدن به منافع کلیدی عمومی مانند سلامت یا محیط زیست را کاهش می‌دهد، باید در این دسته‌بندی قرار گیرند».

یادداشت تفسیری شورای اروپا در خصوص وضعیت حقوقی سازمان‌های مردم‌نهاد در اروپا در موضوع شفافیت فعالیت این نهادها اعلام می‌کند که سازمان‌های مردم‌نهادی که به نحوی از حمایت‌های عمومی برخوردار هستند، باید هر ساله گزارشی از فعالیت‌های اجرایی و صورت هزینه‌ها و درآمدهای مالی خود اعلام کنند اما تکلیفی ندارند که تمام اطلاعات خود را به صورت جزئی شرح دهند. در ادامه این سند اعلام می‌کند که تعهدات نسبت به انتشار گزارش‌ها باید با در نظر گرفتن تکالیف نسبت به حق حیات و امنیت ذینفعان و احترام به زندگی خصوصی و اصل محرمانگی آن باشد. به طور خاص، تمایل خیر به ناشناس ماندن خود باید محترم دانسته شود. با این حال نیاز به احترام به زندگی خصوصی و اصل محرمانگی، مطلق نیست و نباید مانعی برای رسیدگی به جرائم کیفری مانند پولشویی باشد. در هر حال، هرگونه تعرض به زندگی خصوصی و اصل محرمانگی باید با در نظر گرفتن اصل ضرورت و تناسب (رعایت تناسب در هنگام تعارض دو منفعت) باشد.

در سطح ملی نیز عمده‌ترین نگرانی تشکل‌های مردم‌نهاد از انتشار اطلاعات آنها به حریم خصوصی خیران برمی‌گردد. در سازمان‌هایی که با کمک‌های مردمی اداره می‌شوند، خیران نگرانی‌های بسیاری در خصوص استفاده از اطلاعات شخصی خود از سوی خیریه‌ها دارند؛ مبادله

^۵Public body

یا فروش چنین اطلاعاتی برای فعالیت‌های سودآور یا تبلیغات ناخواسته، باعث شده است که سازمان‌های مردم‌نهاد این دسته از اطلاعات را اکثراً محرمانه نگهداری کنند.

برای مثال، بنیاد پیشگیری از سرطان^۶ یکی از مهم‌ترین نهادهای مردمی در شناخت و پیشگیری از سرطان در ایالات متحده است. این نهاد هر ساله گزارش‌های مالی و اجرایی و حتی پرداخت مالیات خود را اعلام می‌کند و علاوه بر این، نسبت به حریم خصوصی خیرین خود حساس است. طبق اعلام این بنیاد، اطلاعات خصوصی خیرین مانند نام، نام خانوادگی، محل زندگی، شماره تماس، آدرس و شماره کارت‌های بانکی آنان توسط خیریه به طور خصوصی و بدون آگاهی اشخاص ثالث حفظ می‌شود، علاوه بر این هر کدام از خیران می‌توانند در هر زمانی اطلاعات خود را از داده‌های این نهاد حذف کنند.

بنیاد کلینتون^۷ یکی از معروف‌ترین بنیادهای خیریه در ایالات متحده نیز اعلام کرده است که اطلاعات خیرها را به جهت سودآوری بدون رضایت آنان در اختیار شخص ثالث قرار نمی‌دهد اما تعهد به حفظ کاملاً محرمانه چنین اطلاعاتی ندارد. طبق اعلام این نهاد، اطلاعات اشخاص خیر به همراه مبلغ کمک آنها به جهت تکلیف این بنیاد در انتشار اطلاعات خیران در سایت این نهاد درج می‌شود و علاوه بر این در جایی که به موجب قانون و درخواست مجریان قانون، دسترسی به اطلاعات لازم باشد، این اتفاق خواهد افتاد.

از بررسی قوانین آزادی اطلاعات کشورهای مختلف چنین برمی‌آید که در مجموع، این تشکلهای با توجه به مبانی وجودی خود و ماهیت حقوقی خاص، علی‌الصول مکلف هستند حق دسترسی به اطلاعات موجود در آنها را برای همگان به رسمیت بشناسند زیرا، اولاً این تشکلهای از اعضای جامعه مدنی بوده و تابع الزامات جامعه باز و اصل شفافیت هستند. ثانیاً، عضویت افراد جامعه در سازمان‌های غیردولتی و خروج از آنها عموماً جنبه داوطلبانه دارد و تابع اصل آزادی اراده است که آگاه بودن از پیش‌شرط‌های این آزادی است. با توجه به ضرورت استقبال تشکلهای غیردولتی از افراد علاقه‌مند و واجد شرایط برای عضویت در این تشکلهای، بدیهی است بدون وجود اطلاعات لازم از وجود و فعالیت این تشکلهای، مشارکت جدی برای عضویت در آنها وجود نخواهد داشت؛ ثالثاً تشکلهای غیردولتی عموماً بخش بزرگی از بودجه و هزینه‌های خود

^۶Prevent Cancer Foundation.

^۷Clinton Foundation.

را از محل کمک‌های داوطلبانه تأمین می‌کنند. برای تداوم این کمک‌ها و افزایش آنها، شفافیت در عملکرد تشکلهای غیردولتی، نقش بسیار مهم دارد.

این مؤسسات که از بودجه عمومی در قالب کمک‌ها و سایر تسهیلات مالی و غیرمالی برخوردار می‌شوند بدون آنکه عهده‌دار کارویژه‌ها یا مأموریت‌های عمومی باشند در کشورهای مختلفی از جمله هند، لیبریا، نیجریه، آفریقای جنوبی، جمهوری دومنیکن، اکوادور، گواتمالا، هندوراس، نیکاراگوئه، پاناما، دانمارک، ایرلند، مونته‌نگرو و صربستان، مشمول قانون آزادی اطلاعات هستند. البته در دانمارک و ایرلند، مشمول قانون بر این مؤسسات تابع دستور وزیر مربوط است. در برخی از کشورها از جمله برزیل، اکوادور، گواتمالا، هندوراس و پاناما، سازمان‌های غیردولتی که از بودجه یا منابع عمومی استفاده می‌کنند صریحاً مشمول قانون آزادی اطلاعات هستند.

میزان استفاده از بودجه عمومی برای تسری الزامات قانون آزادی اطلاعات بر مؤسسات خصوصی، در کشورهای مختلف متفاوت است. در دانمارک و صربستان، شرط شمول قانون بر آنها استفاده بیش از ۵۰ درصدی از بودجه عمومی است. در هند، مؤسسه‌ای که وام یا کمک بلاعوض از دولت در حد بیش از ۶۰ هزار دلار یا ۷۵ درصد کل بودجه خود دریافت می‌کند به عنوان مؤسسه‌ای قلمداد می‌شود که اساساً از سوی دولت تأمین مالی می‌شود. دادگاه عالی مدرس در سال ۲۰۱۳ اعلام کرد دریافت ۳۷ درصد از منابع مالی از بودجه عمومی، کافی است تا کالج خصوصی دریافت‌کننده این منابع، مشمول قانون آزادی اطلاعات قرار گیرد. با وجود این، ۶ کشور آمریکای لاتین که در بالا نام برده شدند شرط درصد یا میزان دریافت بودجه عمومی (قابل توجه یا ناچیز) ندارند.

دو انتقاد عمده بر شمول قانون آزادی اطلاعات بر این نوع تشکلهای مطرح است: اول اینکه، چنانچه تکالیف و الزامات مربوط به افشا و دسترسی به اطلاعات، سنگین و سختگیرانه باشد این مؤسسات ممکن است از دریافت منابع و کمک‌های عمومی منصرف شوند. در پاسخ به این ایراد گفته می‌شود که محدود کردن تکلیف به افشا به منافع یا خدمات عمومی، کافی است و نمی‌تواند سنگین تلقی شود. ایراد دوم آن است که این امر، اثر ترساننده بر سرمایه‌گذاران، خیران و اعضا دارد. به‌ویژه، سازمانهای غیردولتی و غیرانتفاعی به این ایراد استناد می‌کنند. الزام آنها به افشای بودجه، حقوق کارکنان، اسامی اعضا و اشخاصی که به آنها کمک کرده‌اند ممکن است برای آنها دردسرساز یا آزاردهنده باشد. پاسخ این ایراد آن است که می‌توان مواردی را که افشای اطلاعات به دردسر یا آزار افراد منجر می‌شود استثنا کرد.

« شیوه‌نامه انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات تشکل‌های مردم‌نهاد »

(مصوب پانزدهمین جلسه کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در مورخ ۹۷/۱۲/۰۵)

ماده ۱- منظور از تشکل‌های مردم‌نهاد عبارتند از کلیه تشکل‌هایی که ماهیت داوطلبانه، غیردولتی، غیرانتفاعی و غیرسیاسی دارند و تحت عناوین مختلفی نظیر انجمن، خیریه، خانه، جمعیت، سازمان غیردولتی، هیئت، کانون، خانه و شبکه فعالیت می‌کنند.

بند اول: اطلاعات سازمانی و هویتی

ماده ۲- اطلاعات هویتی و سازمانی تشکل‌های مردم‌نهاد از جمله موارد زیر باید در دسترس متقاضیان قرار گیرد:

۱. مشخصات مؤسسان،
۲. اساسنامه ثبت شده، تاریخ ثبت و مرجع تأیید اساسنامه،
۳. پروانه تأسیس یا فعالیت،
۴. آگهی تأسیس که در روزنامه رسمی یا روزنامه کثیرالانتشار منتشر شده است،
۵. ساختار و تشکیلات داخلی،
۶. سطح فعالیت از نظر استانی یا فرااستانی، ملی یا بین‌المللی یا خارجی بودن،
۷. نهادهای وابسته از قبیل شرکت، درمانگاه، پژوهشکده و مرکز مشاوره،
۸. مشخصات شعب و دفاتر نمایندگی در داخل یا خارج از کشور،
۹. موافقتنامه یا مجوز تأسیس شعبه یا دفتر نمایندگی،
۱۰. وظایف و اختیارات دفتر نمایندگی، اساسنامه شعبه که به تصویب تشکل مرکزی رسیده باشد و اینکه آیا شعبه در مجامع عمومی تشکل مرکزی حق رأی دارد یا ندارد،
۱۱. مشخصات کامل اعضای هیئت امنا یا هیئت رئیسه، یا هیئت مدیره، رئیس و بازرسان تشکل و شرح وظایف و اختیارات هر کدام،
۱۲. کلیه مصوبات مجامع عمومی یا هیئت امنا و هیئت مدیره تشکل نظیر دستورالعمل‌ها یا آیین‌نامه داخلی،
۱۳. اسامی و سمت اشخاصی که با داشتن سمت عمومی، عضو هیئت امنا یا هیئت رئیسه، یا هیئت مدیره، یا رئیس و بازرسان تشکل هستند،

۱۴. فهرست اموال و دارایی‌های تشکل اعم از آنکه در مالکیت و مورد استفاده باشد یا در اجاره اشخاص ثالث،

۱۵. قوانین و مقررات ناظر بر تشکیل و فعالیت تشکل.

ماده ۳- اطلاعات راجع به نحوه فعالیت تشکل و عملکرد آن در حوزه‌های مختلف از جمله در موارد زیر باید در دسترس متقاضیان قرار گیرد :

۱. تعداد و مشخصات کلی کارکنان و نحوه همکاری آنها با تشکل،
۲. اطلاعات فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده،
۳. مشخصات شبکه‌ها و مجامعی که تشکل در آنها عضو شده است،
۴. گزارش عملکرد سالانه طبق شرایط مقرر در اساسنامه،
۵. عضویت تشکل در مجامع و شوراهای تصمیم‌ساز یا تصمیم‌گیر کشور،
۶. تعاملات و فعالیت‌های بین‌المللی تشکل از جمله کسب مقام مشورتی نزد نهادهای بین‌المللی یا اقدام برای این منظور،
۷. مشخصات نمایندگانی که از سوی تشکل در مجامع و مناسبت‌های بین‌المللی شرکت کرده‌اند،
۸. گزارش‌هایی که تشکل به نهادها و مراجع بین‌المللی داده است،
۹. اطلاعات راجع به وضعیت مالیاتی، اظهارنامه‌های مالیاتی و مالیات‌های پرداختی تشکل،
۱۰. سوابق محکومیت تشکل به تعلیق یا ابطال پروانه،
۱۱. مشخصات بانک‌های اطلاعاتی تشکل، اهداف ایجاد آنها و نحوه استفاده از آنها.

ماده ۴- فهرست و نوع خدماتی که از سوی تشکل‌ها به گروه‌های هدف ارائه می‌شود، تعداد و مشخصات کلی گروه‌های هدف تشکل و نحوه جمع‌آوری، ثبت و نگهداری اطلاعات آنها در تشکل باید در دسترس متقاضیان قرار گیرد.

ماده ۵ - میزان و نوع کمک‌های دریافتی از مؤسسات عمومی، چگونگی دریافت و مصرف آنها باید منتشر شده و در دسترس عمومی قرار گیرد.

ماده ۶ - اطلاعات راجع به نحوه جمع‌آوری کمک‌های مردمی، اطلاعات کلی و آماری در مورد تعداد خیران، میزان و نوع کمک‌ها و خیرات آنها قابل انتشار و دسترس است. هویت اشخاص خیر نباید به صورت عمومی منتشر شود یا در دسترس متقاضیان قرار گیرد مگر با اذن آنها.

ماده ۷ - اطلاعات مربوط به هویت مددجویان و افراد مرتبط با تشکلات و نوع کمک‌ها و خدمات ارائه شده به هر یک بدون اذن آنان قابل انتشار یا دسترس نخواهد بود. اطلاعات کلی و آماری نظیر تعداد مددجویان یا میزان و نوع کمک‌ها و خدمات، باید برای عموم متقاضیان قابل دسترس باشد.

ماده ۸ - در مورد کودکانی که تحت پوشش تشکلات قرار دارند افشای مشخصات هویتی تحت هیچ شرایطی مجاز نیست.

ماده ۹ - اطلاعات زیر در حوزه عملکرد مالی و محاسباتی سالانه تشکلات قابل انتشار و دسترس خواهد بود:

- ۱- منابع درآمدی به تفکیک درآمدهای داخلی از جمله حق عضویت، کمک‌های مردمی درآمدهای حاصل از فعالیت‌ها و درآمدهای خارجی یا خارج از کشور،
- ۲- روش‌هایی که برای کسب درآمد مورد استفاده قرار می‌گیرد،
۱. جمع کل درآمدها و هزینه‌های سالانه،
۲. میزان درآمد غیر نقدی سالانه و مشخص کردن نحوه دریافت و مصرف آن،
۳. تعداد و مشخصات حساب‌های بانکی که منابع مالی تشکلات در آنها واریز و یا از طریق آنها هزینه می‌شود،
۴. تفکیک هزینه‌های جاری و پرسنلی تشکلات،
۵. اعلام گردش مالی بین شعب و دفاتر نمایندگی با دفتر مرکزی تشکلات و میزان داد و ستد مالی آنها

۶. اعلام رویه‌های ثبت صورت‌های مالی تشکلات و نحوه رعایت استانداردهای حسابداری

۷. مشخصات حسابرس رسمی مستقل در مورد مؤسسات خیریه و حمایتی

۸. مشخصات حامیان مالی تشکلات

۹. آمار و اطلاعات دعاوی که تشکل در دفاع از منافع عمومی موضوع فعالیت خود اقامه کرده است.

ماده ۱۰ - هر شهروندی می‌تواند اطلاعات یک تشکل مردم‌نهاد را یا مستقیماً از خود آن تشکل یا از مرجع صدور مجوز آن، مطالبه کند.